**باسمه تعالی**

[***منتهای شب (معیار در تعیین منتصف اللیل)*** 1](#_Toc475883414)

[***بررسی أدله مشهور*** 1](#_Toc475883415)

[**عمده آیات (قرینه مقابله بین لیل و صبح)** 1](#_Toc475883416)

[**آیه قم اللیل** 2](#_Toc475883417)

[**مناقشه** 2](#_Toc475883418)

[**آیه أقم الصلاه طرفی النهار** 2](#_Toc475883419)

[**صحیحه زراره** 2](#_Toc475883420)

[**روایات مربوط به غلس در نماز صبح** 5](#_Toc475883421)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوفات فرائض /منتهای شب(معیار در تعیین منتصف اللیل)

**خلاصه مباحث گذشته:**

***منتهای شب (معیار در تعیین منتصف اللیل)***

بحث راجع به این بود که منتصف اللیل چه موقع است: ما بین غروب آفتاب و طلوع آفتاب است که نظر مرحوم خویی و مرحوم استاد قدّس سرّهما، است. و یا ما بین غروب آفتاب و طلوع فجر است که نظر مشهور است و شیخ طوسی ره در خلاف فرمود نظر عامّه أهل علم است.

***بررسی أدله مشهور***

مشهور غیر از ظهور عرفی به آیات و روایات استدلال کرده اند.

**عمده آیات (قرینه مقابله بین لیل و صبح)**

آیاتی که مشهور به آن استدلال کرده اند عمدتاً به قرینه مقابله بین شب و صبح در لیل به معنای أخص (که با طلوع فجر تمام می شود) ظهور پیدا کرده است مثل «واللیل اذ أدبر و الصبح اذا أسفر». ولکن منافاتی با این ندارد که ظهور اطلاقی لیل شامل بعد از طلوع فجر هم می شود که بالوجدان چنین ظهوری وجود دارد.

**آیه قم اللیل**

أمّا برخی از آیات مثل این آیه: «قم اللیل إلّا قلیلاً نصفه أو انقص منه قلیلا أو زد علیه و رتّل القرآن ترتیلا» که گفته اند مسلّم است که پیامبر صلی الله علیه و آله مخاطب بود که تا طلوع فجر بیدار بماند و عبادت کند و گرنه بعد از طلوع فجر و أدای نماز صبح پیامبر نمازی نمی خواند. لذا معلوم می شود مراد از شب در این آیه شب تا طلوع فجر است.

**مناقشه**

جواب از این آیه این است که: استعمال أعم از ظهور اطلاقی است: اگر مراد از لیل در آیه به خاطر وجود قرینه لیل تا طلوع فجر باشد دلیلی ندارد که بگوییم در مواردی که قرینه نیست هم در این معنا ظهور دارد.

علاوه بر این که لزومی ندارد بگوییم مراد لیل تا طلوع فجر است: مگر خدا فرمود قم اللیل کلّه و اگر ما بین طلوعین داخل در شبی باشد که پیامبر أمر به قیام للصلاۀ ندارد، مشکلی ایجاد نمی کند.

**آیه أقم الصلاه طرفی النهار**

به آخرین آیه رسیدیم: «أقم الصلاۀ طرفی النهار» که شیخ طوسی ره فرمود اجماع داریم که مراد از «أقم الصلاه طرفی النهار» نماز صبح و نماز عصر است و چون نماز عصر داخل نهار است ظاهر این است که نماز صبح هم که طرف دیگر نهار است داخل در نهار است.

ظاهراً در کلام شیخ ره اشتباه شده است و ایشان می خواسته به آیه «حافظوا علی الصلوات و الصلاه الوسطی» استدلال کند که در صحیحه زاره مراد از «الصلاه الوسطی» نماز ظهر دانسته شده است که بین دو نماز در روز واقع شده است که اگر به این استدلال کند قابل توجیه است. ولی ظاهر استدلال ایشان که ادّعای اجماع نسبت به این که مراد از طرفی النهار نماز صبح و عصر است جزاف است و چه طور می شود بر خلاف روایت صحیحه که خود شیخ ره نقل کرده است اجماع بر این مسأله داشته باشیم. و شبیه این ادّعای اجماع در کلام قاضی ابن برّاج در جواهر الفقه مطرح شده اس که ظاهراً اشتباه شده است و ظاهراً مقصود همان «حافظوا علی الصلوات و الصلاه الوسطی» است؛

**صحیحه زراره**

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: ***سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ- فَقَالَ خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ- فَقُلْتُ هَلْ سَمَّاهُنَّ اللَّهُ وَ بَيَّنَهُنَّ فِي كِتَابِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ ص أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ دُلُوكُهَا زَوَالُهَا- وَ فِيمَا بَيْنَ دُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ‌ صَلَوَاتٍ- سَمَّاهُنَّ اللَّهُ وَ بَيَّنَهُنَّ وَ وَقَّتَهُنَّ- وَ غَسَقُ اللَّيْلِ هُوَ انْتِصَافُهُ- ثُمَّ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ- إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ- وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي ذَلِكَ أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ النَّهارِ وَ طَرَفَاهُ الْمَغْرِبُ وَ الْغَدَاةُ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ وَ هِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ- وَ قَالَ تَعَالَى حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى وَ هِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ هِيَ وَسَطُ النَّهَارِ- وَ وَسَطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ- وَ فِي بَعْضِ الْقِرَاءَةِ حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ- وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى صَلَاةِ الْعَصْرِوَ قُومُوا لِلّهِ قانِتِينَ..***.[[1]](#footnote-1)

ما قبلاً می گفتیم که این صحیحه زراره قرینه واضحه است بر این که نهار در عرف متشرعی از طلوع فجر بوده است زیرا میگوید: ***الصَّلاةِ الْوُسْطى وَ هِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ ...وَ هِيَ وَسَطُ النَّهَارِ وَ وَسَطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ*** . ولی دیدیم که این استدلال قابل مناقشه است: زیرا این صحیحه زراره مشتمل بر دو کلام متهافت است؛

از طرف دیگر در روایت جمله «أقم الصلاه طرفی النهار» را به نماز صبح و مغرب تفسیر می کند که ظاهر سیاق این است که همان طور که نماز مغرب طرف خارج و مرز بیرون از نهار است، نماز صبح هم مرز بیرون از نهار باشد و خلاف ظاهر است که نماز مغرب طرف خارج از نهار باشد ولی نماز صبح طرف داخل در نهار باشد.

اگر مقصود مرحوم شیخ طوسی استدلال به این جمله «حافظوا علی الصلوات و الصلاه الوسطی» باشد (که ما بعید نمی دانیم) که مراد از الصلاه الوسطی، بالاجماع و طبق این روایت صحیحه، نماز ظهر است و نماز ظهر هم وسط دو نماز در نهار است: ما فعلاً به این فقره اشکال نداریم.

ولی اگر مقصود ایشان جمله «أقم الصلاه طرفی النهار و طرفاه المغرب و الغداه» باشد: اگر مراد نماز مغرب و صبح باشد که ظاهر روایت هم همین است که می خواهد درباره نماز صبح صحبت کند. نماز صبح را در طرف اول نهار و نماز مغرب را در طرف آخر نهار بخوان و وقتی نماز مغرب طرف خارج از نهار است ظاهر سیاق این است که نماز صبح هم که طرف دیگر نهار است خارج از نهار است.

**علاوه بر این که در این روایت این بیان می آید که**: در این روایت نهار به معنای أعم به کار رفته است ولی از ظهور عرفی و متشرعی کشف نمی کند که هر کجا نهار ذکر شود از ابتدای طلوع فجر مراد باشد. اگر نهار در صوم شهر رمضان از طلوع فجر باشد آیا دلیل می شود که نهار در همه جا از طلوع فجر باشد. این گونه نیست و شواهدی بر خلاف این نقل کردیم: مثل این که در روایات تعبیر به وسط النهار و منتصف النهار کرده اند و عرفی نیست که نیمه أول از طلوع فجر باشد و از نیمه دوم یک ساعت و نیم بیشتر باشد.

ما نمی گوییم حتماً ابتدای نهار طلوع شمس است لااقل در این نظر مشهور تشکیک می شود.

**اگر بگویید که:** در این روایت نگفت «و طرفاه صلاه المغرب و صلاه الغداه» بلکه «وطرفاه وقت المغرب و الغداه» مراد است یعنی مراد از مغرب اذان مغرب و مراد از غداۀ وقت اذان صبح است. لذا دیگر مشکلی ندارد که بگوییم اذان صبح و اذان مغرب مرز نهار و لیل است که مرز دقیق نهار می شود.

**می گوییم:** این احتمال که مراد طرفاه وقت المغرب و المغداه باشد صحیح نمی باشد و خلاف ظاهر است زیرا آیه قرآن می گوید در دو طرف نهار نماز بخوان و بحث روایت راجع به نماز خواندن است. لذا روایت می گوید نماز مغرب را در طرف نهار بخوان و چون نماز مغرب خارج از نهار خوانده می شود، خلاف ظاهر است که نماز صبح داخل نهار باشد.

**عمده اشکال این است که**:

وقتی این دو فقره را به عرف بدهیم، عرف می گوید یک جا عنایت صورت گرفته است و ما ادّعای مجاز نمی کنیم: گاهی لفظی که انصراف به معنای مشهور دارد را در معنای غیر مشهور استعمال می کنید که این مجاز نیست ولی خلاف ظاهر انصرافی است و به قرینه نیاز دارد. در این جا هم می گوییم یا در روایتی که تعبیر به وسط النهار کرده است و نهار را در معنای اوسع استعمال کرده است عنایتی شده است و یا این که اگر در تعبیر وسط النهار عنایت نشده است و در معنای ظاهر عرفی عام یا متشرّعی خود استعمال شده است پس در أقم الصلاه طرفی النهار عنایتی شده است که در طرف مغرب خارج نهار و در طرف صبح داخل نهار را لحاظ کرده اند. ولی این که کجا عنایت بوده است و کجا عنایت نبوده است روشن نیست.

اگر این اشکال را قبول نکنید و اصرار کنید و بگویید که تنافی بین صدر و ذیل این روایت صحیحه نیست و یا لااقل ذیل صحیحه که می گوید« ***وَسَطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ***» قرینه است که مراد از طرفاه المغرب و الغداۀ وقت نماز مغرب و نماز صبح است باز می گوییم که این یک استعمال است و استعمال های دیگری مثل انتصف النهار است که گفتیم خلاف ظاهر است نصف اول را بیشتر از نصف دوم بگیریم. و استعمال أعم از ظهور اطلاقی است لذا باید به ظهور اطلاقی رجوع کنیم.

ظهور انصرافی با بحث حقیقت و مجاز فرق می کند: مثلاً زید منصرف به فرد مشهور است ولی به این معنا نیست که اگر به زید غیر مشهور زید گفته شود، مجازاً استعمال شده باشد. زید لفظ مشترک است. و در محل بحث هم می گوییم بین معنای مضیّق و موسّع اشتراک لفظی وجود دارد. مثل تهران که هم اسم شهر است و هم اسم استان است که اگر انصراف به شهر داشته باشد استعمال آن در استان مجاز نخواهد بود.

**روایات مربوط به غلس در نماز صبح**

یکی دیگر از أدله مشهور این است که: در روایات وارد شده است که غلس در نماز صبح مستحبّ است و اول اذان صبح نماز را بخوانید و نگذارید هوا روشن شود زیرا أول طلوع فجر زمانی است که ملائکه شب و ملائکه روز هر دو به نماز خواندن شما شهادت می دهند:

وَ فِي الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ الْآتِي عَنْ رُزَيْقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ***أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي الْغَدَاةَ بِغَلَسٍ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ الصَّادِقِ- أَوَّلَ مَا يَبْدُو قَبْلَ أَنْ يَسْتَعْرِضَ- وَ كَانَ يَقُولُ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ تَصْعَدُ- وَ مَلَائِكَةَ النَّهَارِ تَنْزِلُ عِنْدَ طُلُوعِ‌ الْفَجْرِ- فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ تَشْهَدَ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ صَلَاتِي- وَ كَانَ يُصَلِّي الْمَغْرِبَ عِنْدَ سُقُوطِ الْقُرْصِ- قَبْلَ أَنْ تَظْهَرَ النُّجُومُ.***[[2]](#footnote-2)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: ***قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي عَنْ أَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ- فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ قَالَ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ- إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً يَعْنِي صَلَاةَ الْفَجْرِ تَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ- فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ- أُثْبِتَ لَهُ مَرَّتَيْنِ تُثْبِتُهُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ***.[[3]](#footnote-3)

مرحوم خویی از این روایت جواب داده اند که: قطعاً یک عنایتی در این روایت وجود دارد وگرنه لازمه شهود ملائکه شب و ملائکه روز این است که در لحظه أول طلوع فجردقیق، نماز صبح را بخواند و چه کسی در آنِ أول طلوع فجر نماز صبح را می خواند.

و اگر بخواند اشکال دارد زیرا به زودی خواهد آمد که بهترین اذان در کشور ما که در آن احتیاط شده است اذانی است که مؤسّسه لواء اعلام کرده است و در همین اذان هم دقیق که شدیم دیدیم چند دقیقه زودتر می گویند و اذان دقیق، مطابق با جامعه اسلامی آمریکای شمالی بود که می گویند خورشید باید پانزده درجه نزدیک افق شود. مؤسّسه لواء شانزده درجه و مؤسّسه ژئو فیزیک هفده و هفت دهم درجه حساب می کنند و سالهای قبل نوزده و چهار دهم درجه حساب می کردند و ده دقیقه زوتر اذان می گفتند و تحقیق کردند و فهمیدند که زودتر اذان می گفتند و یکی از ائمه جماعت حرم اعلام کرد که هر چه با من نماز خواندید قضاء کنید. رادیو هم قبلاً اعلام می کرد که نماز صبح را چند دقیقه تأخیر بیندازید و می گفت که اذان را به خاطر روزه زودتر می گوییم ولی الآن یادشان رفته و دیگر اعلام نمی کنند که نماز را تأخیر بیندازید.

و خواهیم گفت که سرّ اختلاف این است که در مشرق سه حالت دارد و حالتی که لواء ادّعا می کند در شانزده درجه می شود ولی ما می گوییم باید پانزده درجه شود زیرا قبل از آن سیاهی کم رنگ می شود و عرفاً سفیدی نمی شود که در روایت تعبیر به قبطیه بیضاء لباس سفید قبطی کرده است.

لذا مرحوم خویی می فرماید که شما چگونه می خواهید أول اذان صبحِ دقیق، نماز صبح را بخوانید. لذا عنایتی در روایت شده است و مراد أوائل طلوع فجر است. لذا روایت مجمل می شود که یا ملائکه لیل مقداری دیرتر می روند و یا ملائکه نهار مقداری زودتر می آیند.

1. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 10‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 213‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 212‌ [↑](#footnote-ref-3)